

تحولات زبان اشاره در ایران^۱

روزبه قهرمان^۲

اشاره

آقای روزبه قهرمان از ناشنوایان فرهیخته و فعال در عرصه‌های فرهنگی ناشنوایان است. ایشان سال‌ها مشغول تحقیق و تدریس در موضوعات مرتبط به ناشنوایان ایران بوده و تجارب سودمندی آموخته و تا کنون راهنمایی‌های ارزشمندی عرضه کرده است. متأسفانه مراکز فرهنگی و علمی داخل ایران از حضور او محروم هستند. زیرا جهت تکمیل تحصیلات و مطالعات هم اکنون در کانادا است. امید است با حضورش در ایران در سال‌های آتی، همه از تجارب و دستاوردهای با ارزش او بهره‌مند گردند. چند سال قبل مقاله‌ای در دانشنامه ناشنوایان نوشت؛ تلاش بسیار شد آدرسی پیدا کنیم و از ایشان کسب اجازه نماییم، اما ممکن نشد. این مقاله را با اندکی اصلاحات در اینجا می‌آوریم. (مجله توان‌نامه)

یک فرهنگ منظم درباره زبان اشاره به فرانسه منتشر کرد. پس از این تلاش‌های علمی بود که مدیران آموزشی ناشنوایان در کشورهای مختلف به اجرای دستاوردهای عالمان همت گماشتند؛ نتیجه آنکه شمار فراوانی از الفباهای دستی در کشورهای مختلف دنیا به کار گرفته شد.

ناشنوایان کشورهای مختلف، نه تنها یک زبان اشاره، بلکه چند نوع آن را فرا گرفته‌اند. به ویژه در دوران اخیر پژوهش درباره ساختارهای زبان اشاره، به گونه‌ای که ناشنوایان بتوانند از آن استفاده مطلوب کنند، توسعه یافت و استفاده از این زبان را بیشتر نمود. ایرانیان هر چند حدود دو سده و نیم دیرتر به استفاده علمی و آموزشی زبان اشاره وارد شدند ولی از دوره باغچه‌بان که زبان اشاره در مراکز آموزشی مطرح شد با سرعت عقب ماندگی‌ها را پشت سر گذاشتند.

هر کشور بر اساس خاستگاه‌ها و نیازهای خود زبان اشاره‌ای را طراحی کرد، به ویژه در کشورهای پیشرفته جهان، هویت اشارات زبانشان را تعیین کرده‌اند؛ به گونه‌ای که هر زبان اشاره شناسنامه‌ای مخصوص به خود دارد؛ مانند زبان اشاره آمریکایی^۱، زبان اشاره سوئدی^۲، زبان اشاره فرانسوی^۳، زبان اشاره انگلیسی^۴. در دو دهه اخیر با تلاش عده‌ای از متخصصان زبان اشاره فارسی هم در حال شکل‌گیری است. علل تأخیر ما در این عرصه متعدد است؛ از جمله عدم آگاهی به ریشه بسیاری از اشارات زبان فارسی و نبودن اسناد کافی از تاریخ این زبان است. از این‌رو، زبان اشاره فارسی با بهره‌گیری از واژه‌های زبان فارسی (محاوره‌ای) پایه‌گذاری شد.

کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره فارسی در ۱۳۵۲ در سازمان ملی رفاه ناشنوایان که هم اکنون در دفتر پژوهش دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی مستقر است، تشکیل شد. در این کمیته، شماری از کارشناسان ناشنوا گرد هم آمدند تا درباره اشارات ایرانی و فارسی که به دلیل گستردگی جغرافیایی و تفاوت‌های فرهنگی دارای تنوع بسیاری بود، تحقیق و بررسی کنند.

اشاره به عنوان وسیله‌ای برای ارتباط آنها از قدیم مورد توجه انسان‌ها بوده و می‌توان حدس زد، پیش از ساخت زبان گفتاری، انسان‌های اولیه از زبان اشاره بهره می‌بردند. ایرانیان باستان هم از این وضع مستثنی نبودند.

در دوره جدید که پژوهش‌هایی در حوزه زبان اشاره انجام یافت و این زبان برای اولین بار در مراکز آموزشی ناشنوایان در کشورهای پیشرفته متداول گردید، مسئولان فرهنگی و آموزشی ایران هم در یکصد سال اخیر به این زبان روی آوردند. البته به دلیل حاکمیت فرهنگ اسلامی بر ایران و متداول بودن عقداالانامل در بین مسلمانان در قرون میانه، به احتمال قوی، ایرانیان هم عقداالانامل استفاده می‌کردند. صدور این شیوه به اروپا و تأسیس زبان اشاره جدید بر اساس عقداالانامل بعداً بررسی خواهد شد.

پیشینه تاریخی زبان اشاره به رویکرد نخبگان و پژوهشگران به روش‌های علمی باز می‌گردد؛ زیرا به تدریج دریافتند که آنکه کر متولد می‌شود، طبعاً لال هم هست و این غیرممکن است که بشنود و سخن گوید. با گذشت زمان و آگاهی بیشتر مردم از علل ناشنوایی، به تدریج عقاید خرافی جای خود را به تفکرات علمی داد و قدم‌هایی برای آموزش آنان به روش علمی برداشته شد. نخستین تحقیقات و آزمایش‌ها در اروپا و بعد آمریکا بود و از اواسط سده سیزدهم قمری به ایران آمد.

پیشینه رویکرد به زبان اشاره:

اولین پژوهشگر ناشنوایان، میشل دو لپه^۳ است. او در ۱۷۷۶ اثری ماندگار منتشر کرد که عامل بزرگ‌ترین پیشرفت در امر ارتباطات و نقطه آغاز مطالعات زبان‌شناسی شد. همچنین او نخستین مؤسسه دولتی برای کودکان ناشنوا را تأسیس کرد که بعدها به مؤسسه ملی کر و لال‌ها در پاریس نام‌گذاری شد. به اعتقاد او، زبان اشاره، زبان طبیعی ناشنوایان است، و روش تدریس او از همین اعتقاد ریشه می‌گرفت. سپس آبه رش سیکار^۴ تحقیقات درباره زبان اشاره را ادامه داد و در ۱۸۱۸ کتاب خود را درباره فرهنگ کلمات و معادل‌های اشارات کلمات چاپ کرد. رمی ولاد^۵، ادیب فرانسوی متفکر دیگری بود که،

۱. اخذ شده از دانشنامه ناشنوایان، به کوشش محمد نوری، ج ۱، ص ۲۰۲-۱۶۸.

۲. مؤلف و پژوهشگر در موضوعات ناشنوایی.

3. Michel de L'Épée

4. Abbe Roch Sicard

5. Remi Valade

1. ASL
2. SSL
3. LSF
4. BSL



زبان‌شناسی و کارشناسی رشته‌های مرتبط به حوزه ناشنوایی و زبان اشاره هم مورد پژوهش و بررسی قرار می‌گیرد. هستند، به ویژه به فرهنگ اسلام، به عنوان زیربنای فرهنگ ناشنوایان توجه شده و شالوده‌های ابتکاری برای زبان اشاره پی‌ریزی شده است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای اسلامی از زبان اشاره آمریکایی استفاده می‌شود. برای نمونه، ناشنوایان مالزی از زبان اشاره آمریکایی استفاده کرده حتی گاه مسلمانان مالزی به این اجرا اعتراض کرده‌اند.

زبان اشاره طبیعی و زبان اشاره ضابطه‌مند:

در بین ناشنوایان ایران، انواع روش‌های اشاره متداول و مرسوم است. وقتی ارتباطات و تماس‌های دانش‌آموزان ناشنوای ایرانی با یکدیگر مشاهده شود به خوبی معلوم می‌گردد که آنها با استفاده از روش اشاره طبیعی همراه گفتار یا بدون آن، به آسانی با یکدیگر تفهیم و تفاهم و تبادل اطلاعات دارند. این بدان معناست که شاگردان مؤسسات آموزشی، لب‌خوانی و گفتار فارسی را در مدرسه یاد گرفته‌اند؛ اما زبان اشاره طبیعی یکی از مواد درسی آنان نبوده و به طور رسمی فرا نگرفته‌اند؛ ولی در جریان تماس با یکدیگر و یا دوستان شنوای خود، زبان اشاره طبیعی را نیز آموخته‌اند.

الفبای دستی یا علائم دیگر، را می‌توان برای کمک به لب‌خوانی یا گفتاردرمانی به کار گرفت. طبیعی است که مرکز آموزشی از زبان اشاره دارای مبانی علمی و پیشرفته‌تر استفاده می‌کنند؛ از این‌رو گاه زبان اشاره فاقد ضوابط علمی منسوخ می‌شود و جای خود را به دستگاه جدیدتر می‌دهد. مثلاً الفبای دستی زبان فارسی که در ۱۳۷۵ تصویب شد، نسبت به الفبای گویای باغچه‌بان، پیشرفته‌تر است.

در زبان اشاره استاندارد شده علمی، ناشنوایان از اشارات با مفهوم استفاده می‌کنند؛ اما این اشارات به گونه‌ای کنار هم قرار می‌گیرند که به شیوه ترتیب کلمات در زبان محاوره‌ای نزدیک‌تر باشند و شنوایان نیز به همین ترتیب اشاره می‌کنند.

اشارات موجود در زبان اشاره مضبوط، به گونه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد که با نحو ترکیب زبان محاوره شباهت داشته باشد. این کار به طور عمده با تشریح محتوای کلمات انجام می‌شود، ولی در اشارات از نظر جهت و حرکت دست تغییری پدید نمی‌آید. برای بهره‌گیری از این رویکرد، به اطلاعات کافی درباره نحو، در زبان محاوره‌ای نیاز است. برای ادای حروف و صرف افعال در زبان اشاره استاندارد شده (علمی)،

روش اشاره‌گزینی:

روش کار اینگونه بود که کارشناسان به جمعیت‌ها و نشست‌های جمعی ناشنوایان مراجعه می‌کردند؛ یا در مباحث اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تفریحی آنها شرکت می‌نمودند، تا چگونگی اجرای اشارات را برای تک تک کلمات به دست آورند. پس از گردآوری و ثبت اشاره‌ها، در نشست‌های کارشناسی در سازمان، آنها را بررسی می‌کردند. در این نشست‌ها برای یک کلمه، چندین اشاره با توجه به فرهنگ نقاط مختلف کشور، مورد بررسی قرار می‌گرفت و آن اشاره که از نظر علمی و زیبایی و آسانی مورد تأیید کارشناسان قرار می‌گرفت، تصویب می‌شد. گاه برخی از واژگان مورد استفاده ناشنوایان ایران قرار نگرفته بود در چنین مواقعی، از اشارات بین‌المللی و سایر کشورهایی که از نظر فرهنگی با ما نزدیک هستند، استفاده شده است. با کمک کارشناسان ناشنوایی کشور، تلاش برای جستجوی اشارات ایرانی که با فرهنگ ملی انطباق بیشتر داشته باشد، رو به گسترش است. امروزه در کشور ما از سه نوع اشاره استفاده می‌شود: ۱. اشاره طبیعی، که به عنوان وسیله اصلی ارتباطی بین ناشنوایان معمول است و شنوایان هم در موارد لازم به عنوان وسیله کمکی تفهیم و تفاهم از آن استفاده می‌کنند؛ ۲. اشاره رسمی که معمولاً در برنامه تلویزیونی ناشنوایان مثل اخبار ناشنوایان مشاهده می‌شود؛ ۳. اشاره نوشتاری که به عنوان وسیله کمکی تفهیم گفتار به صورت زیرنویس فیلم‌ها یا برنامه‌های تلویزیونی استفاده می‌شود.

تحقیقات در ایران:

این روش‌ها برای تفهیم و تفاهم بهتر ناشنوایان است. کارشناسان ایرانی، بر اساس نیازهای ملی و با اتکا به تجربه‌های جهانی پژوهش‌های جدی در مسائل مختلف زبان اشاره انجام داده‌اند. این پژوهش‌ها در اصلاح زبان اشاره فارسی و توسعه آن سودمندی بوده است. برخی از این پژوهش‌ها که نقش و تأثیر زیادی در تاریخ زبان اشاره ایرانی ایفا کرده عبارت است از:

فرهنگ زبان اشاره فارسی برای ناشنوایان (سازمان ملی رفاه ناشنوایان ۱۳۵۹)؛ آشنایی با اشارات ناشنوایان (سازمان بهزیستی، کشور، تابستان ۱۳۶۳)؛ مجموعه اشارات ناشنوایان، (سازمان بهزیستی کشور، تابستان ۱۳۶۸)؛ زبان اشاره فارسی (دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی تهران، ۱۳۷۶).

دستاوردها:

به توصیه کارشناسان ناشنوایان محصور در زبان اشاره نمانند و از گفتار به عنوان وسیله اصلی ارتباطی از اشارات طبیعی، از تصاویر به عنوان وسیله کمکی تفهیم گفتار در کلاس‌های ویژه کودکان ناشنوا هم استفاده کردند. به این وسیله مربیان و معلمان توانستند جریان یادگیری دانش‌آموزان را آسان‌تر کنند.

در دهه اخیر، مربیان و کارشناسان ناشنوایان، و دانشجویان رشته‌های مختلف، مانند: گفتاردرمانی، شنوایی‌سنجی، مددکار اجتماعی که در پی یادگیری زبان اشاره فارسی بوده‌اند، از تجارب استادان مشهوری چون محسن لوح موسوی و ایران بهادری بهره برده‌اند.

مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی‌زاده و رضا محمودی در مرحله جمع‌آوری و ثبت اشارات ناشنوایان کشورمان که تاکنون ۲۲۰۰ اشاره جمع‌آوری شده است، با نامبردگان همکاری کرده‌اند.

در کشورهای پیشرفته در کنار پژوهش زبان اشاره، مبانی



اطلاعات، ۲۶/دی‌ماه/۱۳۷۲؛ تکلم حق مسلم کودکان ناشنوا، نوشته روزیک شهبازیان، (روزنامه اطلاعات، ۱۹/فروردین‌ماه/۱۳۷۵).

کتاب زبان اشاره بین‌المللی که شامل ۱۵۰۰ اشاره است، در ایجاد ارتباط میان ناشنوایان، در جهان، تحرکی جدید بخشید.

این کتاب در ایران به قلم سید مهدی ماهباز و سیده عفت ماهباز به زبان فارسی برگردان شده و بدین وسیله پای ناشنوایان ایران پس از هفتاد سال آغاز آموزش ناشنوایان به دست جبار باغچه‌بان، به مجامع بین‌المللی ناشنوایان گشوده شد.

ساختار:

زبان اشاره طبیعی از لحاظ ترتیب نحوی، با ترتیب کلمات در زبان انگلیسی معادل تفاوت دارد. در این ترتیب، درک و دیدار از اولویت برخوردارند. تبدیل یک جمله فارسی به زبان اشاره، معمولاً دارای سه جزء ادراکی است:

۱. مشخص‌ترین اشاره که از لحاظ دیداری، قدرت مؤثری دارد و معمولاً معادل یک اسم است، در آغاز جمله می‌آید؛ ۲. سپس اشاراتی می‌آیند که اشاره اول را تشریح کرده و یا توضیح بیشتری درباره آن می‌دهند؛ ۳. در پایان، اشاراتی می‌آیند که محصول یا تأثیر حاصل را بیان می‌کنند.

اگرچه میزان تولید اشارات، نصف میزان تولید کلمات است، اما میزان بیان مطالب در هر دو تقریباً برابر است. این امر با کاربرد عوامل جبرانی اشارات انجام می‌گیرد که موانع حسی را از میان برمی‌دارد. بهره‌گیری گسترده از عوامل تغییر، یکی از علائم مشخصه زبان اشاره است.

مراحل دستوری زبان اشاره با حرکات قابل رؤیت دست‌ها، هماهنگ می‌شوند. بنابراین، مطالعه نوسانات حرکتی که چگونه تغییراتی را در مفهوم ایجاد می‌کنند؛ لازم است، مانند: شب، دیشب، پریشب. جهت‌گیری نمونه دیگری از دستور زبان اشاره فضایی است که در برابر دستور زبان متوالی نوشتاری قرار دارد. برای نمونه، ایجاد تغییراتی در جهت حرکت یک اشاره، باعث می‌شود تا تغییر مشابهی در ارتباط فاعل و مفعول پدید آید؛ مانند: من به تو گفتم؛ تو به من گفتی.

همچنین روش‌هایی وجود دارند که با نوسانات فضایی یا کاربرد جنبه‌های غیر دستی اشارات، بر اسامی جمع، گفتار غیرمستقیم، منفی کردن جمله، تغییر زمان فعل و پرسشی کردن جمله دلالت می‌کنند. اکنون بر اساس طبقه‌های مختلف اشارات، شناخت کافی از این روندها به دست آمده است تا بتوان آنها را به منزله قواعد دستوری در نظر گرفت. گرچه این دستور زبان اشاره با دستور زبان فارسی تفاوت دارد، اما با یک زبان دستی-دیداری، تطبیق یافته است.

یادگیری و آموزش زبان اشاره: زبان اشاره نیز، همانند دیگر زبان‌ها نیاز به آموختن و آموزش دارد. این فعالیت بنابراین، اولاً در طول یک زمان مشخص و دوم با به کارگیری روش‌ها و ابزارها به انجام می‌رسد.

استوکو^۱ در تحقیقات خود (۱۹۶۰) نشان داد که صحبت انگشتی همچون تمامی نظام‌های نویسه‌ای^۲ صورت‌هایی تصویرگونه^۳ دارد که چنین تفاوت‌هایی نتیجه امتیازات فردی و نیز، میزان هماهنگی و انعطاف دست‌ها و انگشتان فرد است. دو مشکل اصلی در ابتدای برنامه تربیت کارکنان و معلمان ویژه ناشنوایان دیده می‌شود:

1. Stokoe
2. Graphemic
3. Allographic

از صحبت انگشتی استفاده می‌شود. این روش به زبان فارسی دستی مشهور است؛ زیرا ترکیبی از رابطه‌های دستی و اشارات کتاب‌های ویژه کودکان ناشنوا، به عنوان وسیله کمک آموزشی مؤثر است که از سوی معلمان و والدین مورد استفاده قرار می‌گیرند. به کمک اینگونه اشاره ابداعی، داستان‌ها را با اشاره به کودکان تفهیم می‌کنند تا کار آموختن زبان فارسی به ناشنوایان آسان و آسان‌تر شود. اشاره‌ساز^۱، معمولاً با دست راست ساخته می‌شود و به دنبال واژه اشاره می‌آید. هدف اصلی از این کار، آن است که میزان مهارت در زبان را که برای تکمیل گفتار به کار می‌رود، در کودکان ناشنوای دوره آمادگی هم‌سطح کند.

منابع زبان اشاره فارسی:

در دهه‌های اخیر تألیف و تهیه کتاب ویژه ناشنوایان و زبان اشاره فارسی رو به رشد بوده است. برخی کتاب‌های سودمندی که در این باره چاپ شد. عبارت‌اند از: مهمان‌های ناخوانده، (سازمان ملی رفاه ناشنوایان، ۱۳۵۹)؛ کبوتر من کبوتر من، (شرکت همگام با کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۳)؛ شب به سر رسید، (شرکت همگام با کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۳).

از آنجا که شمارگان کتاب‌های زبان اشاره محدود است، تهیه آنها برای ناشنوایان و پژوهشگران دشوار است؛ ولی وجود آنها دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا به کودکان ناشنوا این امکان را می‌دهد که مانند کودکان عادی از اینکه کتابی برایشان خوانده شود، لذت ببرند. همچنین بسیاری از کودکان و نوجوانانی که زبان اشاره را کشف می‌کنند، به شدت مجذوب آن می‌شوند؛ زیرا زبانی به مراتب رساتر از زبان گفتاری عادی است و دارای حرکات بیشتر و استفاده گسترده‌تر از بیان مفاهیم با اعضای بدن است.

با گذشت دو دهه از چاپ نخستین کتاب درباره فرهنگ اشارات در ایران، تحقیقات بنیادی با رشد کم رو به گسترش بوده است. اما مقاله‌های معدودی در این زمینه به چاپ رسیده که نمونه‌هایی از آنها عبارت است از:

«زبان اشاره و ضرورت‌های آن»، نوشته ایران بهادری. (روزنامه قدس، ۲۳/آبان‌ماه/۱۳۷۵)؛ تکلم یا اشاره؟، نوشته محمود پاکزاد (روزنامه

1. Sign Maker

از رابطان از راه تجربی کار رابطی را انجام می‌دادند. با توجه به سر شماری ۱۳۷۵، شیوع ناشنوایی در ایران بین دو تا سه در هزار است. با این احتساب، شمار رابطان زبان اشاره مورد نیاز، حدود هفت هزار نفر برآورد می‌شود. در حالی که رابطان زبان اشاره مجرب ایرانی که حرفه خویش را از طریق تجربی فرا گرفته‌اند و یا دوره کوتاه مدت را گذرانده‌اند، به تعداد انگشتان یک دست نمی‌رسند.

به دلیل تفاوت لهجه‌ها در میان ناشنوایان، هر ناشنوا برای حضور فعالانه در اجتماع باید رابط آشنا با لهجه‌اش را داشته باشد و در آن هنگام به کمبود رابطان مجرب در ایران پی خواهیم برد. شایسته است جامعه ناشنوایان ایران در حد توان خود و به صورت حرکت خودجوش، مسئولیت ایجاد کلاس‌های زبان اشاره را به عهده گیرد و یک مرکز مستقل در قالب انجمن برای مشاوره خانواده و کودک ناشنوا در نظر داشته باشد تا اطلاعات بی‌طرفانه و منصفانه درباره تمام جنبه‌های ناشنوایی به آسانی در دسترس خانواده‌های کودکان ناشنوا قرار گیرد که باعث افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به ناشنوایی شود.

منابع

باطنی، محمدرضا، مجموعه مقالات درباره زبان، تهران، انتشارات آگاه، پاییز ۱۳۷۳؛
همو، نگاهی تازه به دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات آگاه، پاییز ۱۳۷۳؛ بهادری،
ایران، «زبان اشاره و ضرورت‌های آن»، روزنامه قدس، ۲۳ آبان ۱۳۷۵؛ همو، گزارش
اجلاس ناشنوایان منطقه اسکاپ و کنگره آموزش ناشنوایان به روش دوزبانه، تهران،
معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، پاییز ۱۳۷۵؛ همو، گزارش
کنفرانس بین‌المللی آموزش ناشنوایان دوزبانه، تهران، تابستان ۱۳۷۲؛ حجازی،
بنفشه، ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگی‌ها و جنبه‌ها، تهران، انتشارات روشنگران،
زمستان ۱۳۷۴؛ خزائی، شرمین، روان‌شناسی و ارتباط در کودکان ناشنوا، مشهد،
انتشارات آستان قدس، تابستان ۱۳۷۱؛ سازمان ملی ناشنوایان انگلستان، گزارش
خط‌مشی آموزش ناشنوایان در انگلستان، ترجمه اکرم حاج‌علی‌اکبر، تهران، معاونت
پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، زمستان ۱۳۷۵؛ فدراسیون جهانی
ناشنوایان، زبان اشاره بین‌المللی «گستونو»، ترجمه سیدمهدی ماهباز و سیده غفت
ماهباز، تهران، بهار ۱۳۷۲؛ قریشی‌راد، فخرالسادات، «روان‌شناسی خانواده ناشنوا»،
مجله تعلیم و تربیت استثنایی، مهر ۱۳۷۴؛ قهرمان، روزبه، «نقش رابط در رفع
مشکلات ارتباطی ناشنوایان»، ارائه شده در سمینار بررسی روش‌های مؤثر در آموزش
کودکان و بزرگسالان ناشنوا، تهران، اردیبهشت ۱۳۷۵؛ گیتی، خسرو، «پیشگیری
ناشنوایی و توان‌بخشی کودکان و نوجوانان ناشنوا»، ارائه شده در سمینار پیشگیری
از معلولیت‌های شنوایی و روش‌های توان‌بخشی کودکان و نوجوانان ناشنوا، زنجان،
شهریور ۱۳۷۲؛ همو، «تحقیق و بررسی مسائل عمده توان‌بخشی ارتباطی ناشنوایان»،
ارائه شده در سمینار بررسی روش‌های مؤثر در آموزش کودکان و بزرگسالان ناشنوا،
تهران، اردیبهشت ۱۳۷۵؛ مشکوٰه‌الدینی، مهدی، سیر زبان‌شناسی، مشهد، انتشارات
دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۳.

۱. در الفبای دستی، بیشتر افراد به جای خواندن کل کلمه، به خواندن حرف به حرف آن می‌پردازند؛ ۲. بیشتر آنان، کلمات را بیش از حد سریع یا کند هجی می‌کردند.

به طور کلی توصیه می‌شود برنامه‌های گسترده طرح‌ریزی شود تا به جای ارائه دوره آموزشی ویژه، تمامی فرصت‌های مناسب برای یادگیری را در اختیار کارآموز قرار دهد.

این برنامه می‌بایست افزون بر جلسات گروهی رسمی، موقعیت‌های غیررسمی، شامل بازدیدهای پژوهشی را نیز، شامل شود و از انواع وسایل آموزشی ویژه زبان اشاره استفاده کند. البته، از لحاظ چهارچوب کاری، بر تمرین منظم و مکرر مبتنی باشد. اما به نظر می‌رسد اساساً چنین رویکردی باعث می‌شود پیشرفت افراد در زمینه یادگیری زبان اشاره، به شکلی تحت کنترل قرار گیرد.

ثابت شده است که ادراک یا خواندن صحبت انگشتی، عموماً از تولید و ارسال آن مشکل‌تر است. بنابراین، در هر برنامه آموزشی باید به این مسئله توجه داشت و برای یافتن موازنه‌ای میان خواندن و تولید حروف، تلاش کرد و همچنین برای کمک به تولید ترکیبی از حروف و الگوهای کلمه، بایستی کارآموزان به تکرار و تمرین کلمات با استفاده از اشارات روی آورند و در طی مکالمات خود با یکدیگر، از راه صحبت انگشتی ارتباط برقرار کنند تا آن نقیصه ویژه به تدریج برطرف گردد. در ایران، برای نخستین بار لزوم آموزش زبان اشاره را خانم‌ها ثمینه و پروانه باغچه‌بان مطرح کردند. آنها ادامه دهنده راه پدرشان، برنامه آموزش زبان اشاره را با همکاری دانشگاه ملی سابق، از یکم مهر ۱۳۵۴ در آموزشگاه باغچه‌بان آغاز کردند که تا ۱۳۵۷ ادامه یافت و پس از آن به فراموشی سپرده شد تا اینکه در ۱۳۷۵ به همت کانون ناشنوایان خراسان نخستین دوره کوتاه مدت آموزش زبان اشاره برای علاقه‌مندان در دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی مشهد برگزار گردید.

علل بی‌توجهی به ایجاد دوره‌های آموزش زبان اشاره در سال‌های اخیر را می‌توان اینگونه برشمرد: اتهام به زبان اشاره؛ نپذیرفتن اشاره به عنوان یک زبان (مثل زبان اقلیت‌ها)؛ لزوم خودکفایی اجتماعی و اقتصادی ناشنوایان.

امروزه در سراسر جهان، تلاش بر آن است که به موازات آموزش زبان و گفتار به ناشنوایان، مردم شنوا را نیز، با زبان اشاره آشنا سازند تا همه بار ایجاد ارتباط بر دوش ناشنوایان نباشد. به همین سبب، برنامه‌های گوناگون با زبان اشاره از تلویزیون پخش می‌شود و مردم به شرکت در کلاس‌های رایگان زبان اشاره تشویق می‌شوند.

دوره تربیت رابطان زبان اشاره:

دوره تربیت رابطان زبان اشاره باید در مقطع دانشگاه و همانند سایر رشته‌های مربوط به زبان‌های خارجی باشد. اگر کسانی که در دوره تربیت رابط شرکت می‌کنند، هیچ آشنایی قبلی با زبان اشاره نداشته باشند، در برنامه آموزشی آنها پیش از آموزش رابطی، باید یک سال به طور تمام وقت دوره زبان اشاره را بگذرانند و آنگاه وارد دوره تربیت رابط ناشنوایان بشوند.

در دوره تربیت رابط زبان اشاره، تأکید بر مهارت در زبان اشاره و آشنایی رابطان با لهجه‌های مختلف زبان گفتاری است؛ مثلاً اینکه ترک زبانان و یا کرد زبانان چگونه فارسی صحبت می‌کنند.

در ایران، سازمان خاصی مشابه خدمات رابطان زبان اشاره وجود ندارد. هر چند ایجاد رشته کارشناسی رابط ناشنوایان در دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی تهران در دست مطالعه و بررسی است.

خانم ایران بهادری، از معدود رابطان زبان اشاره در قاره آسیاست که دوره رابط بین‌المللی را در امریکا گذرانیده است؛ درحالی که بسیاری

